قوچان

جناب آقا ملّا عبد الوهّاب علیه بهآء اللّه

١۴ شوّال سنه ١٣٠۴

بسم ربّنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد مقدّس از ادراک و عقول بساط قدس حضرت قیّومی را لایق و سزاست که بنفس خود من غیر معین امام وجوه غافلین قیام فرمود و من علی الارض را از امرا و علما و فقها بافق اعلی دعوت نمود سطوت عالم اراده‌اش را منع ننمود و اعراض امم از ذکر و بیان بازنداشت هر هنگام ضر بیشتر بیان محکمتر تا آنکه جمیع ملوک ارض را من غیر ستر و حجاب تبلیغ فرمود آیات عالم را احاطه نمود و بیّنات بمثابۀ آفتاب افئده و قلوب مستعدّه را روشنی بخشید جلّت عظمته و علت سلطنته و غلبت شوکته و اقتداره

 سبحانک یا اله الکائنات و مربّی الممکنات تری اولیآئک بین ایادی اعدآئک و نفسک فی سجن عکّآء بین ایادی الغافلین من بریّتک اسئلک یا مقصود العالم بامرک الّذی به نزلت امطار عرفانک علی افئدة المقرّبین من خلقک و المقبلین من عبادک و بنفوذ کلمتک و اقتدار ارادتک بان تؤیّد اولیآئک و اصفیآئک علی انتشار آثارک و ذکرک و ثنآئک بین عبادک ای ربّ قدّر لهم من قلم التّقدیر ما یقرّبهم الیک فیکلّ الاحوال انّک انت الغنیّ المتعال

 و بعد عرض میشود نامه‌ئی دوست مکرّم جناب آقا محمّدکاظم علیه بهآء اللّه بمحبوب فؤاد حضرت اسم جود علیه بهآء اللّه الابهی ارسال نمودند و در آن نامه ذکر آنمحبوب فؤاد و جناب آقا میرزا محمّدحسین علیهما بهآء اللّه بوده و همچنین عریضهٴ آنجناب که بساحت اقدس ارسال داشته بعد از ملاحظه و مشاهده و قرائت قصد مقام اعلی نموده تلقاء وجه آنچه در عریضه مسطور عرض شد و بشرف اصغا فائز گشت هذا ما نطق به لسان العظمة فی الجواب قوله عزّ بیانه و جلّ برهانه

هو النّاظر من افقه الاعلی

یا عبد الوهّاب علیک بهآء اللّه العزیز الوهّاب اسمع ندآء المظلوم انّه یذکرک فی سجن عکّآء بما کان بحر الرّحمة للامکان و نفحة الرّحمن لاهل الادیان طوبی لمن وجد نفحات الوحی و اخذ الکتاب بقوّة من لدی اللّه ربّ العالمین انّا سمعنا ندآئک من کتابک ذکرناک بما یقرّبک الی افق الظّهور فی ایّام اللّه العزیز الحمید انّا فتحنا باب العرفان بمفتاح البیان ولکنّ القوم فی ضلال مبین نبذوا کتاب اللّه ورآئهم متمسّکین بما عندهم من همزات المتوهّمین قل یا قوم خافوا اللّه قد اتی الیوم و القیّوم ینادی باعلی النّدآء قوموا عن رقد الهوی مسرعین الی اللّه العلیم الحکیم قد طُوی بساط الاوهام و اتی الرّحمن بامر عظیم انّه هو النّبأ العظیم الّذی انزل ذکره الرّحمن فی الفرقان طوبی لمن وجد عرف البیان و فاز بهذا الیوم البدیع قل یا قوم لا تمنعوا انفسکم عن البحر الاعظم و لا تتّبعوا کلّ جاهل بعید بشّر الّذین آمنوا هناک قل طوبی لکم بما سمعتم النّدآء من الافق الاعلی و اقبلتم الیه سوف ترون ثمرات اعمالکم من لدی اللّه المقتدر القدیر یا وهّاب اذا اجتذبک ندآئی الاحلی و صریر قلمی الاعلی قل

 الهی الهی لک الحمد بما فتحت علی وجوه اولیآئک ابواب الحکمة و العرفان و هدیتهم الی صراطک و نوّرت قلوبهم بنور معرفتک و عرّفتهم ما یقرّبهم الی ساحة قدسک ای ربّ اسئلک بالّذین سرعوا الی مقرّ الفدآء شوقاً للقآئک و ما منعتهم سطوة الامرآء عن التّوجّه الیک و الاعتراف بما انزلته فی کتابک ثمّ اسئلک بالّذین اقبلوا الی افقک باذنک و قاموا لدی باب عظمتک و سمعوا ندآئک و شاهدوا افق ظهورک و طافوا حول ارادتک بان تقدّر لاولیآئک ما یؤیّدهم علی ذکرک و ثنآئک و تبلیغ امرک انّک انت المقتدر علی ما تشآء لا اله الّا انت الغفور الرّحیم

یا قلمی الاعلی بدّل اللّغة الفصحی باللّغة النّورآء بگو للّه الحمد امروز افق سماء عرفان بآفتاب حقیقت روشن و منوّر مکلّم طور بر عرش ظهور مستوی از حفیف سدرهٴ منتهی کلمهٴ مبارکهٴ قد اتی الموعود اصغا میشود باید آنجناب بنور بیان و نار سدره قلوب و افئده را منوّر و مشتعل نمایند تا کل فائز شوند بآنچه که از برای آن موجود شده‌اند اینمظلوم از اوّل یوم الی حین من غیر ستر و حجاب کل را بما اراده اللّه دعوت نمود طوبی از برای نفوسیکه بجواب فائز گشتند و بکلمهٴ بلی ناطق شدند سبحان ‌اللّه معلوم نیست معرضین بچه تمسّک نموده‌اند آیات عالم را احاطه نموده و بیّنات اظهر من الشّمس مع ‌ذلک عباد غافل و محجوب الّا من شآء اللّه ولکن قدرت حق سبقت گرفته و اقتدار کلمه احاطه کرده بشأنیکه مع اعراض ملوک و مملوک و عبدهٴ اوهام و مع استعداد و منع کل نور امر در هر ارضی مشرق مشاهده میگردد سوف یظهر ما انزلناه فی الزّبر و الالواح کما ظهر ما اخبرنا القوم به من قبل انّه هو العزیز العلّام انتهی للّه الحمد آنجناب بآثار قلم اعلی فائز گشتند و بذکر حق جلّ جلاله مزیّن اگرچه امروز ثمرات امور از عیون مستور ولکن عنقریب ظاهرشود آنچه که از لسان عظمت جاری شده و مقبلین ثمرات اعمال خود را مشاهده نمایند انّه لا یضیع اجر المحسنین

 و اینکه سؤال شده بود نفس بعد از فنای بدن باقیست یا نه و بر فرض بقا چه حالت خواهد داشت بعد از عرض اینفقره در ساحت امنع اقدس اعلی اینکلمات عالیات نازل قوله تبارک و تعالی و امّا ما سئلت عن الرّوح و بقآئه بعد صعوده اعلم انّه یصعد حین ارتقآئه الی ان یحضر بین یدی اللّه فی هیکل لا تغیّره القرون و الاعصار و لا حوادث العالم و ما یظهر فیه و یکون باقیاً بدوام ملکوت اللّه و سلطانه و جبروته و اقتداره و منه تظهر آثار اللّه و صفاته و عنایة اللّه و الطافه انّ القلم لا یقدر ان یتحرّک علی ذکر هذا المقام و علوّه و سموّه علی ما هو علیه و تدخله ید الفضل الی مقام لا یعرف بالبیان و لا یُذکر بما فی الامکان طوبی لروح خرج من البدن مقدّساً عن شبهات الامم انّه یتحرّک فی هوآء ارادة ربّه و یدخل فی الجنّة العلیا و تطوفه طلعات الفردوس الاعلی و یعاشر مع انبیآء اللّه و اولیآئه و یتکلّم معهم و یقصّ لهم ما ورد علیه فی سبیل اللّه ربّ العالمین لو یطّلع احد علی ما قدّر له فی عوالم اللّه ربّ العرش و الثّری لیشتعل فی الحین شوقاً لذاک المقام الامنع الارفع الاقدس الابهی

 بلسان پارسی بشنو یا عبد الوهّاب علیک بهآئی اینکه سؤال از بقای روح نمودی اینمظلوم شهادت میدهد بر بقای آن و اینکه سؤال از کیفیّت آن نمودی انّه لا یوصف و لا ینبغی ان یذکر الّا علی قَدَر معلوم انبیا و مرسلین محض هدایت خلق بصراط مستقیم حق آمده‌اند و مقصود آنکه عباد تربیت شوند تا در حین صعود با کمال تقدیس و تنزیه و انقطاع قصد رفیق اعلی نمایند لعمر اللّه اشراقات آن ارواح سبب ترقّیات عالم و مقامات امم است ایشانند مایهٴ وجود و علّت عظمی از برای ظهورات و صنایع عالم بهم تمطر السّحاب و تنبت الارض هیچ شيئ از اشیا بی ‌سبب و علّت و مبدء موجود نه و سبب اعظم ارواح مجرّده بوده و خواهد بود و فرق این عالم با آن عالم مثل فرق عالم جنین و این عالم است باری بعد از صعود بین یدی اللّه حاضر میشود بهیکلیکه لایق بقا و قابل آن عالم است این بقا بقاء زمانیست نه بقاء ذاتی چه که مسبوقست بعلّت و بقاء ذاتی غیر مسبوق و آن مخصوص است بحق جلّ جلاله طوبی للعارفین اگر در اعمال انبیا تفکّر نمائی بیقین مبین شهادت میدهی که غیر این عالم عالمهاست حکمای ارض چنانچه در لوح حکمت از قلم اعلی نازل اکثری بآنچه در کتب الهی نازل قائل و معترفند ولکن طبیعیّین که بطبیعت قائلند در بارهٴ انبیا نوشته‌اند که ایشان حکیم بوده‌اند و نظر بتربیت عباد ذکر مراتب جنّت و نار و ثواب و عذاب نموده‌اند حال ملاحظه نمائید جمیع در هر عالمیکه بوده و هستند انبیا را مقدّم بر کل میدانند بعضی آنجواهر مجرّده را حکیم میگویند و برخی من قِبل اللّه میدانند حال امثال این نفوس اگر عوالم الهی را منحصر باین عالم میدانستند هرگز خود را بدست اعدا نمیدادند و عذاب و مشقّاتیکه شبه و مثل نداشته تحمّل نمیفرمودند اگر نفسی بقلب صافی و بصر حدید در آنچه از قلم اعلی اشراق نموده تفکّر نماید بلسان فطرت بالآن قد حصحص الحقّ ناطق گردد

 و اینکه از بعثت سؤال نمودید در کتاب ایقان نازل شده آنچه که کافیست طوبی للعارفین

 جناب م‌ن علیه بهآء اللّه را تکبیر میرسانیم امروز باید اولیا بخدمت امر مشغول باشند و خدمت تبلیغ است آنهم بحکمت و بیان باید کل بآن متمسّک باشند از حق میطلبیم شما را تأیید فرماید و مدد نماید بر آنچه سزاوار یوم اوست

 و نذکر فی هذا المقام من سُمّی بعبد الحسین و نذکّره بآیاتی و نبشّره بعنایتی نسئل اللّه ان یوفّقه علی ما یقرّبه الیه فیکلّ الاحوال انتهی

 این خادم فانی اولیای الهی را ذکر مینماید و از برای هر یک توفیق میطلبد تا جهد کامل مبذول دارند که شاید آفاق بنور اتّفاق منوّر گردد در هر حال امر اللّه مهیمن بوده و هست باید جمیع استدعا نمائیم نفوسی را مؤیّد فرماید مخصوص تبلیغ امر ولکن نفوسیکه بشرایط منزلهٴ از قلم اعلی مزیّن باشند در یکی از الوح اینکلمات عالیات از سماء مشیّت مالک الرّقاب نازل قوله تبارک و تعالی طوبی از برای نفسیکه رأسش باکلیل انقطاع و هیکلش بطراز تسلیم و رضا مزیّن باشد مبلّغین باید بکمال تقدیس و تنزیه عباد را بافق اعلی دعوت نمایند للّه بگویند و لوجه اللّه عمل کنند انتهی امثال این بیانات در کتاب الهی و صحف و الواح ربّانی مکرّر نازل بعضی للّه الحمد بنور ایقان منوّرند و باوامر و احکام عامل ولکن بعضی مع اقرار و اعتراف بر آنچه ظاهر شده در اعمال متوقّف در اینمقامات یک آیه ذکر میشود قوله تبارک و تعالی لیس بلیّتی سجنی و ما ورد علیّ من اعدآئی بل عمل احبّآئی الّذین ینسبون انفسهم الی نفسی و یرتکبون ما ینوح به قلبی و قلمی الی آخر الآیة امثال این آیات مکرّر از سماء مشیّت نازل طوبی لمن تمسّک بها و عمل بما اُمر به فی کتاب اللّه ربّ العالمین البهآء و الذّکر و الثّنآء علیکم و علی من معکم فی هذا الامر الاعظم و النّبأ العظیم الحمد للّه العلیم الحکیم

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ مه ۲۰۲۴، ساعت ۶:۰۰ بعد از ظهر